

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز: زبان، قدرت و نهادهای منطقه‌ای

پیمان گلستان^۱
علی طلوعی^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، جایگاه زبان روسی در فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آسیای مرکزی و قفقاز با چالش‌های نوظهوری مواجه شده است. مقاله حاضر با هدف تحلیل نقش زبان روسی به‌عنوان ابزار نفوذ منطقه‌ای روسیه، به بررسی تحولات سیاست زبانی کشورهای منطقه در دوره پسا شوروی می‌پردازد. این پژوهش با روش تحلیل اسنادی و با تکیه بر منابع رسمی، گزارش‌های نهادی و مقالات علمی، تلاش دارد پیوند میان زبان، قدرت و نهادهای منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای را واکاوی کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در حالی که برخی کشورها (مانند گرجستان و ترکمنستان) سیاست کاهش وابستگی زبانی را دنبال کرده‌اند، کشورهایی مانند قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان همچنان بر جایگاه روسی به‌عنوان زبان دوم رسمی تأکید دارند. این مقاله با رویکردی تلفیقی، ضمن بررسی رقابت زبانی نوین با زبان‌های ترکی، چینی و انگلیسی، نقش زبان روسی را در تقویت یا تضعیف همگرایی منطقه‌ای از منظر قدرت نرم تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی:

زبان روسی، آسیای مرکزی، قفقاز، سیاست زبانی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

۱. استادیار زبان و ادبیات روسیه، دانشگاه مازندران. مازندران. جمهوری اسلامی ایران. p.golestan@umz.ac.ir

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی مطالعات منطقه ای آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه مازندران. مازندران،

جمهوری اسلامی ایران. fereshtehrahaaa@gmail.com

مقدمه

زبان روسی در طی دو سده گذشته نه تنها ابزاری برای ارتباط زبانی بلکه ابزاری برای تثبیت هژمونی سیاسی، تحمیل فرهنگی و تنظیم روابط اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده است. از آغاز سلطه امپراتوری روسیه بر قفقاز و آسیای مرکزی در قرن نوزدهم تا دوران اتحاد جماهیر شوروی و نهایتاً در دوره پساشوروی، این زبان در متن و بطن تحولات سیاسی، آموزشی، دیپلماتیک و اقتصادی منطقه حضور فعال داشته است (آکیوا^۱، ۲۰۰۸: ۱۵۳: عسگریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۲). تلاش برای گسترش زبان روسی از طریق ایجاد مدارس روسی‌زبان، اجبار در مکاتبات رسمی و حذف تدریجی زبان‌های محلی، بخشی از استراتژی کلان فرهنگی-سیاسی روسیه برای ادغام جوامع پیرامونی در بدنه حکمرانی خود بوده است (موکوشو و همکاران^۲، ۲۰۲۲: ۷۹: آبدوراخمونووا و همکاران^۳، ۲۰۲۲: ۸۸). در دوران اتحاد شوروی، زبان روسی نه تنها زبان رسمی بلکه هویت‌ساز و محور انتقال ایدئولوژی بود: به گونه‌ای که حتی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، این زبان همچنان در بسیاری از جمهوری‌های سابق شوروی به‌عنوان زبان دوم یا زبان غالب در تعاملات تجاری، آموزشی و رسانه‌ای باقی ماند (ومارو^۴، ۲۰۲۲: ۹۴).

در دهه‌های اخیر، در کنار استمرار نقش تاریخی زبان روسی، شاهد ظهور زبان‌هایی چون ترکی، چینی و انگلیسی در سطح منطقه‌ای هستیم که موجب رقابتی تازه برای تعیین زبان غالب در تعاملات بین‌المللی، تجارت و آموزش شده‌اند (سیگبک^۵، ۲۰۲۳: ۱۹: بکارستان کیزی و همکاران^۶، ۲۰۲۴: ۳۱). در این میان، نهادهای منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نیز با رسمیت‌بخشی به زبان روسی در مکاتبات رسمی، به حفظ جایگاه این زبان کمک کرده‌اند (جاشی و همکاران^۷، ۲۰۲۰: ۴۱: کازانتسو و همکاران^۸، ۲۰۲۱: ۵۲). با وجود تلاش برخی کشورها مانند گرجستان و ترکمنستان برای تقویت زبان‌های ملی و کاهش وابستگی به زبان روسی، کشورهای دیگری مانند قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان همچنان به دلایل امنیتی، اقتصادی و سیاسی از این زبان به‌عنوان ابزار اصلی ارتباطات رسمی و تجاری بهره می‌برند (واشینگتن^۹، ۲۰۱۵: ۹۴: شفیع، ۱۳۸۹: ۱۸۳). افزون بر این، حمایت روسیه از برنامه‌های

1. Akkiewa

2. Mukushev et al

3. Abdurakhmonova et al

4. Umarov

5. Sigebak

6. Bekarystankyzy et al

7. Joshi et al

8. Kazantsev

9. Washington

فرهنگی، اعطای بورسیه‌های تحصیلی، تأسیس مدارس دوزبانه و سرمایه‌گذاری در رسانه‌های روسی‌زبان در منطقه نیز نقش مهمی در استمرار نفوذ زبانی ایفا می‌کند (سعیدی، ۱۴۰۲: عسگریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

با توجه به این زمینه‌ها، هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که با بهره‌گیری از چارچوب نظری زبان و قدرت و با استفاده از روش تحلیل اسنادی، نقش کنونی زبان روسی را در معادلات ژئوپلیتیکی، اقتصادی و فرهنگی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بررسی و ارزیابی کند. این پژوهش همچنین می‌کوشد ضمن تبیین رقابت زبانی موجود، عوامل مؤثر بر تثبیت یا تضعیف زبان روسی در آینده منطقه را نیز تحلیل نماید.

چارچوب نظری. برای تحلیل جایگاه زبان روسی در نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز، پژوهش حاضر از یک چارچوب نظری تلفیقی بهره می‌گیرد که در سه سطح تحلیلی قابل تفکیک است:

نخست، نظریه زبان به‌مثابه قدرت نمادین با تأکید بر دیدگاه بوردیو^۱: دوم، رویکرد بازتولید زبان در نظم ژئوپلیتیکی از طریق نهادهای منطقه‌ای: و سوم، درک رقابت زبانی در قالب بازار زبانی و تعامل بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی.

در سطح نخست، نظریه «قدرت نمادین زبان» که توسط بوردیو مطرح شده، زبان را نه صرفاً یک ابزار ارتباطی بلکه نوعی سرمایه اجتماعی و نمادین می‌داند که از طریق نهادهای رسمی مانند دولت، نظام آموزشی و رسانه‌ها مشروعیت می‌یابد و از این رهگذر به ابزاری برای بازتولید سلطه فرهنگی تبدیل می‌شود (بوردیو، ۱۹۹۱: ۴۵). از این منظر، زبان روسی در دوره امپراتوری تزارها و سپس اتحاد جماهیر شوروی، از طریق همین نهادها به شکل گسترده‌ای رسمیت یافت و مشروعیت نمادین آن تثبیت شد. در دوره پسا شوروی نیز این مشروعیت در قالب جایگاه رسمی زبان روسی در آموزش عالی، تجارت، تعاملات دیپلماتیک و رسانه‌های منطقه‌ای تداوم یافته است (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۳).

سطح دوم چارچوب نظری به نقش زبان در تثبیت نظم منطقه‌ای می‌پردازد. بر اساس این رویکرد، زبان رسمی می‌تواند فراتر از مرزهای دولت ملی، از طریق نهادهای فراملی نیز نهادینه شود. سازمان‌هایی همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، با به رسمیت شناختن زبان روسی در مکاتبات، اسناد حقوقی و جلسات رسمی، نقشی مهم در حفظ جایگاه این زبان ایفا می‌کنند (سیلوان^۲، ۲۰۲۳: ۳۸؛ اومارو، ۲۰۲۲:

^۱. Bourdieu

^۲. Silvan

۹۴). این سازمان‌ها، ولو به‌طور غیرمستقیم، کشورهای عضو را حتی در صورت داشتن سیاست‌های زبانی مستقل، ملزم به حفظ کارکرد رسمی زبان روسی می‌کنند. چنین سازوکاری مصداق بارزی از مشروعیت‌بخشی نهادینه‌شده «زبان از طریق نهادهای منطقه‌ای به‌شمار می‌آید (کروگ洛夫^۱، ۲۰۲۱: ۷۷؛ گوبابدولینا و پایزوا^۲، ۲۰۲۵: ۱۴۸). با این حال، این نقش تثبیتی یک‌سویه نبوده است؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که لابی روسیه در نهادهایی چون اتحادیه اقتصادی اوراسیا، با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی، اقتصادی و دیپلماتیک، فعالانه از تضعیف موقعیت زبان روسی جلوگیری کرده است. در سوی دیگر، برخی کشورها مانند ایران و پاکستان نیز تلاش‌هایی برای ترویج زبان‌های فارسی و اردو به‌ویژه در افغانستان و بخش‌هایی از آسیای مرکزی از طریق رسانه، آموزش دینی و فرهنگی داشته‌اند، اما این تلاش‌ها هنوز به مرحله نهادینه‌سازی ساختاری نرسیده است (فیرمن^۳، ۲۰۲۱: ۴۰۰).

در سطح سوم، از نظریه بازار زبانی بهره گرفته شده است. این نظریه که توسط فیلیپسن^۴ و اسپولسکی^۵ توسعه یافته، زبان‌ها را به‌مثابه کنشگران در بازاری رقابتی می‌نگرد که ارزش و جایگاه هر زبان در آن بر پایه حمایت نهادی، سرمایه‌گذاری آموزشی و کارکردهای ارتباطی آن تعیین می‌شود (فیلیپسن، ۱۹۹۲: ۶۶؛ اسپولسکی، ۲۰۰۹: ۳۲). در این بازار زبانی، زبان روسی دیگر انحصار پیشین خود را ندارد و با چالش‌های جدی از سوی زبان‌های چینی، ترکی و انگلیسی مواجه است. چین از طریق پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی در آسیای مرکزی، زبان خود را در آموزش، تجارت و فناوری ترویج می‌کند. ترکیه نیز با تکیه بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم و تأسیس سازمان کشورهای ترک‌زبان، آموزش زبان ترکی را به‌ویژه در قزاقستان و قرقیزستان گسترش داده است (بکاریستان‌کیزی و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۶؛ سیگبک، ۲۰۲۳: ۱۹). در همین حال، زبان انگلیسی نیز به‌عنوان زبان بین‌المللی علم، دیپلماسی و آموزش عالی، در کشورهای منطقه از جمله گرجستان، آذربایجان و حتی ازبکستان، جایگاه خود را تقویت کرده است (دافت و شوتزه^۶، ۲۰۲۰: ۴۴۳۲؛ جاشی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۰۷).

این رقابت چندلایه باعث شده تا بقای زبان روسی وابسته به عواملی همچون کیفیت آموزش دوزبانه، سرمایه‌گذاری در رسانه‌های روسی‌زبان، بورسیه‌های تحصیلی روسیه و حمایت نهادهای

1. Krouglov

2. Gubaidullina & Paizova

3. Fierman

4. Phillipson

5. Spolsky

6. Dufter & Schütze

منطقه‌ای باشد. در غیر این صورت، نسل‌های جدید ممکن است گرایش بیشتری به زبان‌های جایگزین پیدا کنند (سیدن^۱، ۲۰۲۲: ۱۷: فراندو).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که تلفیق این سه چارچوب تحلیلی، به پژوهش حاضر امکان می‌دهد تا نقش زبان روسی را نه صرفاً در قالب یک ابزار ارتباطی یا تاریخی، بلکه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی قدرت نرم، نظم‌سازی منطقه‌ای و رقابت نمادین تحلیل کند. این تحلیل چندبعدی، بنیانی نظری برای درک رفتار زبانی دولت‌های منطقه، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تعاملات نهادهای منطقه‌ای در عصر پسا شوروی فراهم می‌سازد. به‌منظور پیوند نظام‌مند میان چارچوب نظری و بدنه مقاله، در هر بخش تحلیلی از پژوهش حاضر، یکی از این سه سطح مفهومی به‌عنوان مبنای تفسیر داده‌ها و یافته‌ها به‌کار رفته است. به‌ویژه در تحلیل رقابت زبانی، نقش سازمان‌های منطقه‌ای و سیاست‌های رسانه‌ای، تلاش شده است از منظر مفاهیم «بازار زبانی»، «نهادهای منطقه‌ای زبانی» و «قدرت نمادین» به تبیین تفاوت‌ها و روندهای کلان در سطح دولت‌های منطقه‌ای پرداخته شود.

پیشینه پژوهش. مطالعات نوین درباره جایگاه زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز، نشان می‌دهد که این زبان همچنان به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم، هویت‌سازی فراملی و نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه عمل می‌کند. در سطح منطقه‌ای، زبان روسی نه‌فقط در حوزه آموزش، بلکه در تجارت، دیپلماسی و ارتباطات نهادی جایگاهی تثبیت‌شده دارد، هرچند روند بومی‌سازی زبانی در برخی جمهوری‌ها نیز شتاب گرفته است.

در میان مطالعات داخلی، عسگریان و همکاران (۱۳۹۶: ۱۰۸) بر نقش نهادهای فرهنگی و آموزشی روسیه در تثبیت دیپلماسی عمومی زبانی تأکید کرده‌اند. آنان نشان داده‌اند که سیاست‌های زبان‌محور روسیه، به‌ویژه در قزاقستان و قرقیزستان، با استفاده از شبکه‌های رسانه‌ای، مدارس روس‌زبان و همکاری‌های آموزشی تداوم یافته است. به‌طور مشابه، نباتی و شفقی (۱۴۰۰: ۱۶۲) با بررسی سیاست‌های زبانی روسیه در مناطق بومی فدراسیون، به اهمیت مدیریت تنوع زبانی به‌عنوان یکی از ابزارهای حفظ انسجام ملی و توسعه منطقه‌ای اشاره دارند.

در سطح تحلیل ژئوپلیتیکی، فاطمی‌نژاد و هاشمی (۱۳۹۵: ۳۳۱) معتقدند که روسیه با تأکید بر زبان مشترک، در حال زمینه‌سازی برای ایجاد یک جامعه بین‌الملل منطقه‌ای در آسیای مرکزی است. چارچوبی که از طریق زبان، همگرایی نهادی و وابستگی ساختاری را تقویت می‌کند. در همین راستا، سعیدی (۱۴۰۲: ۱۱۳) نیز با ارزیابی ابعاد فرهنگی و اجتماعی

^۱. Seiden

سیاست‌های روسیه، جایگاه زبان روسی را در پیوند با نفوذ اقتصادی و دیپلماسی رسانه‌ای آن تحلیل کرده است.

از منظر پژوهش‌های بین‌المللی، کازانتسو و همکاران (۲۰۲۰: ۱۵۳) با تحلیل راهبردهای روسیه در «منازعات منجمد» قفقاز، نشان داده‌اند که زبان روسی یکی از ابزارهای کلیدی برای کنترل گفتمان سیاسی و حفظ موقعیت مسلط در جمهوری‌های جدایی طلب بوده است. همچنین، سیگبک (۲۰۲۳: ۴۵) بر روند گذار زبان روسی از موقعیت زبان رسمی به زبان ثانویه در حوزه گردشگری، تجارت و آموزش در قفقاز جنوبی تمرکز کرده و نشان داده است که این زبان هنوز به واسطه میراث شوروی، بخشی از سرمایه زبانی نخبگان محسوب می‌شود.

در سطح نهادهای منطقه‌ای، سیلوان (۲۰۲۱: ۲۷) تأکید دارد که سازمان‌هایی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای، با تثبیت زبان روسی به عنوان زبان رسمی، به حفظ هژمونی زبانی روسیه کمک می‌کنند: حتی در کشورهایی که تلاش دارند زبان ملی را تقویت کنند. در این راستا، گوبایدولینا و پایزووا (۲۰۲۵: ۱۴۹) با بررسی سیاست‌های قدرت نرم روسیه در قزاقستان، نشان داده‌اند که زبان روسی در سیاست‌های آکادمیک، فضای مجازی و آموزش عالی، همچنان جایگاه برجسته‌ای دارد و نقش مهمی در شکل‌گیری ذهنیت نخبگان ایفا می‌کند.

بر اساس یافته‌های این مطالعات، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحولات نوین زبانی و رقابت فزاینده میان زبان‌های روسی، ترکی، انگلیسی و بومی، تلاش می‌کند تا دینامیک جدید نظم زبانی منطقه را از منظر جامعه‌شناسی زبان، قدرت نمادین و سیاست‌گذاری زبانی مورد تحلیل قرار دهد.

روش‌شناسی. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بر پایه‌ی تحلیل اسنادی^۱ طراحی و اجرا شده است. تحلیل اسنادی در اینجا به معنای بررسی سیستماتیک متون مکتوب، اعم از اسناد رسمی، گزارش‌های پژوهشی، متون علمی و منابع رسانه‌ای به منظور استخراج مضامین نظری و شواهد تجربی درباره جایگاه زبان روسی در ساختار قدرت، نظم نهادی و تعاملات منطقه‌ای است. هدف آن است که با اتکا به داده‌های مستند، امکان بررسی فراز و فرودهای نقش زبان روسی در دوره‌های تاریخی مختلف و در مواجهه با زبان‌های رقیب فراهم گردد. در گام نخست، اسناد و منابع گردآوری شده به چهار دسته‌ی اصلی تفکیک شدند: ۱. اسناد تاریخی مرتبط با سیاست‌های زبانی امپراتوری روسیه، اتحاد جماهیر شوروی و دوران گذار پسانشوروی؛ ۲. اسناد نهادی-حقوقی منتشر شده توسط سازمان‌هایی چون اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ ۳. داده‌های آماری و پژوهشی درباره میزان

^۱. Documentary Analysis

استفاده از زبان روسی در آموزش، رسانه، مهاجرت و تجارت منطقه‌ای و؛ ۴. منابع زبانی - فرهنگی شامل متون تحلیلی درباره زبان‌های رقیب (ترکی، چینی، انگلیسی) و واکنش دولت‌های منطقه‌ای نسبت به آن‌ها. این دسته‌بندی زمینه‌ای فراهم کرده است تا بتوان در مراحل بعدی تحلیل، به تفکیک نقش تاریخی، نهادی و رقابتی زبان روسی پرداخت.

در گام دوم، تحلیل داده‌ها بر پایه‌ی سه مفهوم کلیدی نظری که در چارچوب نظری پژوهش تشریح شده‌اند، صورت گرفته است: ۱. زبان به‌مثابه قدرت نمادین: ۲. نهادینه‌سازی زبانی از طریق ساختارهای رسمی: ۳. رقابت زبانی در بستر منطقه‌ای و جهانی. هر یک از منابع تحلیل شده، از منظر یکی یا ترکیبی از این سه مفهوم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای مثال، گزارش‌های مربوط به مدارس دوزبانه در قزاقستان در نسبت با «نهادینه‌سازی رسمی زبان روسی»، یا گسترش زبان ترکی و چینی در اسناد توسعه‌ای از منظر «بازار زبانی» تحلیل شده‌اند. گام سوم، شامل بررسی‌های کیفی است. این بررسی‌ها شامل موارد زیر است: تحلیل سطحی از رسانه‌های روسی‌زبان در آسیای مرکزی از نظر سهم زبانی، واژگان کلیدی و گفتمان‌های فرهنگی: مرور گزارش‌های بین‌المللی درباره وضعیت مدارس دوزبانه یا روسی‌زبان در سه کشور منتخب (قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان): بررسی محتوای برخی کتاب‌های درسی، برنامه‌های آموزشی و طرح‌های زبانی مصوب وزارتخانه‌های آموزش در سطح ملی. این داده‌های کیفی مکمل، هرچند به‌صورت محدود، امکان انطباق تحلیل نظری با شواهد عینی را فراهم ساخته‌اند.

در نهایت، باید تأکید کرد که روش‌شناسی اتخاذشده، رویکردی مفهوم‌محور و تطبیقی است که به‌جای تکیه بر داده‌های کمی یا پیمایش‌های میدانی، از تحلیل لایه‌لایه‌ی متون معتبر و معتبرسازی از طریق تقاطع منابع بهره گرفته است. این رویکرد، با ماهیت پیچیده و چندبعدی موضوع (زبان به‌عنوان عامل سیاسی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی) تناسب کامل دارد و بستر را برای مطالعات توسعه‌یافته‌ی آتی (شامل پیمایش، مصاحبه یا تحلیل شبکه‌ای) فراهم می‌سازد. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر فاقد داده‌های میدانی به معنای مصاحبه یا مشاهده مستقیم است و تحلیل‌های انجام‌شده صرفاً بر پایه اسناد و متون رسمی و علمی بوده است. منابع مورد استفاده در این پژوهش، عمدتاً اسناد علمی، نهادی و رسانه‌ای منتشرشده بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ بوده‌اند و تمرکز جغرافیایی آن‌ها بر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد. در فرآیند تحلیل داده‌ها، اسناد در قالب سه محور نظری «قدرت نمادین»، «نهادینه‌سازی زبانی» و «بازار زبانی» کدگذاری مفهومی شدند. این طبقه‌بندی نظری، مبنای تحلیل تطبیقی جداول، نمودارها و یافته‌های تفسیری در بدنه مقاله قرار گرفته است.

۱. نقش تاریخی زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز

دوره امپراتوری روسیه و نفوذ اولیه زبان روسی. نفوذ زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز همزمان با گسترش امپراتوری روسیه در قرن نوزدهم آغاز شد. تسلط روسیه بر این مناطق، به‌ویژه پس از عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) که بخش‌های وسیعی از قفقاز را به خاک این کشور ملحق کرد، تثبیت شد (آکیوا، ۲۰۰۸: ۱۱۶). در آسیای مرکزی نیز، روسیه با تصرف شهرهای کلیدی مانند تاشکند (۱۸۶۵)، سمرقند (۱۸۶۸) و بخارا (۱۸۷۳) کنترل این مناطق را در اختیار گرفت و ساختار اداری خود را بر این سرزمین‌ها اعمال کرد (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۹۰). این اقدامات نه‌تنها تسلط سیاسی روسیه را بر منطقه مستحکم ساخت، بلکه زبان روسی را نیز به‌عنوان زبان اداری و رسمی در ساختار حکمرانی محلی وارد کرد.

پس از الحاق این مناطق، دولت روسیه سیاست‌های روسی‌سازی را با هدف تقویت نفوذ فرهنگی و زبانی خود اجرا کرد. در این راستا، مدارس روسی تأسیس شدند و زبان روسی به زبان اصلی مکاتبات دولتی، آموزش و فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شد (جاشی و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۲۱). نخبگان محلی برای دستیابی به امکان ادامه تحصیلات عالی در برخی رشت‌های کلیدی و مشاغل دولتی ناچار به یادگیری این زبان بودند و بسیاری از قوانین و اسناد رسمی فقط به زبان روسی منتشر می‌شدند (آبدوراخ مونووا، ۲۰۲۲: ۷۸). علاوه بر این، در تجارت منطقه‌ای نیز زبان روسی به‌عنوان یک ابزار ارتباطی ضروری بین بازرگانان و مقامات اداری روسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. به همین دلیل، بسیاری از تاجران آسیای مرکزی و قفقاز برای دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر و تعامل با شبکه‌های تجاری گسترده‌تر، مجبور به استفاده از این زبان بودند (موکوشو و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۰۱).

دوران شوروی و تحکیم زبان روسی. با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۲، سیاست‌های زبانی وارد مرحله‌ای جدید شد. زبان روسی به‌عنوان زبان رسمی تمامی جمهوری‌های شوروی شناخته شد و نقش آن به‌عنوان ابزار یکپارچه‌سازی ایدئولوژیک و هویت سوسیالیستی مشترک گسترش یافت (سیگبک، ۲۰۲۳: ۶۶). در این دوره، تمام مکاتبات دولتی، رسانه‌ها و ارتباطات بین‌المللی در داخل شوروی به زبان روسی انجام می‌شد و سیاست‌های زبانی با هدف حذف تدریجی زبان‌های محلی از نظام آموزشی و اداری و گسترش نفوذ فرهنگی روسیه در میان اقوام مختلف دنبال شد (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۲۰).

آموزش عمومی به زبان روسی در تمامی جمهوری‌های شوروی اجباری شد و مدارس و دانشگاه‌ها به این زبان آموزش می‌دادند. حتی در کشورهایی مانند گرجستان و ارمنستان که

زبان‌های ملی داشتند، دروس اصلی به روسی تدریس می‌شد (سیگبک، ۲۰۲۳: ۱۱۲). از آنجا که تحصیلات دانشگاهی، علوم و فناوری عمدتاً در جمهوری‌های روسیه شوروی، متمرکز بود، آشنایی با زبان روسی برای نخبگان سیاسی، علمی و اقتصادی ضروری محسوب می‌شد (علیپور گرجی، ۲۰۲۳: ۱۴۰۳). در کنار آموزش، در حوزه تجارت و صنعت نیز روسی زبان رسمی کلیه قراردادهای تجاری، مکاتبات صنعتی و ارتباطات بین‌المللی بود. تمامی اسناد مالی، تجاری و فنی به زبان روسی تدوین می‌شد و بدون تسلط بر این زبان، موفقیت در اقتصاد شوروی بسیار دشوار بود (موکوشو و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۶).

زبان روسی در دوران پساشوروی. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، سیاست‌های زبانی جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته در قبال زبان روسی دچار تغییرات گسترده‌ای شد. برخی کشورها، مانند گرجستان و ترکمنستان، تلاش کردند تا نفوذ این زبان را کاهش داده و زبان‌های ملی خود را تقویت کنند، در حالی که برخی دیگر، نظیر قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان، همچنان از زبان روسی در سیستم‌های آموزشی، تجارت و سیاست داخلی خود استفاده می‌کنند (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۹). در گرجستان، قانون اساسی جدید این کشور، گرجی را به‌عنوان تنها زبان رسمی تعیین کرد و آموزش زبان روسی در مدارس به‌شدت محدود شد (سیگبک، ۲۰۲۳: ۴۴). آذربایجان نیز با اتخاذ سیاست‌های ملی‌گرایانه زبانی، استفاده از روسی را در نهادهای دولتی کاهش داد، اما در بخش‌هایی از رسانه‌ها و تجارت منطقه‌ای، این زبان همچنان کاربرد دارد. در مقابل، ارمنستان به دلیل روابط نزدیک خود با روسیه و وابستگی‌های اقتصادی و امنیتی، همچنان زبان روسی را در حوزه‌های آموزشی، رسانه‌ای و تجاری حفظ کرده است. در کشورهای آسیای مرکزی نیز سیاست‌های زبانی متفاوتی اتخاذ شده است. در قزاقستان و قرقیزستان، زبان روسی همچنان جایگاه قدرتمندی دارد و به‌عنوان زبان دوم رسمی شناخته می‌شود. در قزاقستان، اگرچه سیاست‌هایی برای تقویت زبان قزاقی و کاهش وابستگی به الفبای سیریلیک آغاز شده است، اما روسی همچنان در تجارت، آموزش عالی و دیپلماسی نقش کلیدی دارد (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۱۵). در ترکمنستان، اما سیاست‌های زبانی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که زبان روسی تقریباً از سیستم آموزشی حذف شده و جایگاه آن در عرصه عمومی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است (اوغان و یعقوب زاده، ۱۳۸۴: ۹۹).

علاوه بر این، برخی از کشورهای منطقه، به‌ویژه گرجستان و آذربایجان، به‌طور فزاینده‌ای بر آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان یک ابزار ارتباطی جهانی تأکید دارند. این کشورها با اجرای سیاست‌هایی برای گسترش آموزش انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها، سعی دارند وابستگی زبانی

خود را به روسیه کاهش دهند و تعاملات خود را با غرب افزایش دهند (سیگبک، ۲۰۲۳: ۶۹). از طرف دیگر، در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ و سازمان پیمان امنیت جمعی^۲، زبان روسی همچنان نقشی مهم در تجارت، سیاست و تعاملات دیپلماتیک منطقه‌ای ایفا می‌کند و برخی از کشورهای منطقه هنوز به این زبان به‌عنوان ابزاری برای ارتباطات بین‌المللی و دسترسی به بازارهای روسیه نیاز دارند (وایتسمن و هارتمن^۳، ۲۰۲۴: ۱۱۸).

۲. زبان روسی در تجارت و اقتصاد منطقه‌ای

اهمیت زبان روسی در معاملات بین‌المللی. زبان روسی همچنان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی در تجارت بین‌المللی کشورهای آسیای مرکزی با روسیه محسوب می‌شود. به دلیل روابط اقتصادی عمیق و وابستگی متقابل، بیشتر مکاتبات تجاری، اسناد مالی و قراردادهای تجاری میان کشورهای این منطقه و روسیه به زبان روسی تنظیم می‌شوند (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۸). قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان از جمله کشورهایی هستند که اقتصاد آن‌ها وابستگی قابل توجهی به بازارهای روسیه دارد و روسیه بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از این کشورها محسوب می‌شود. طبق گزارش‌های اقتصادی، در سال ۲۰۱۹، بیش از ۷۰ درصد از صادرات قرقیزستان و بیش از ۵۰ درصد از صادرات قزاقستان به روسیه انجام شد که نشان‌دهنده نقش کلیدی زبان روسی در این تعاملات تجاری است (موکوشو و همکاران، ۲۰۲۲: ۴۳).

در اکثر کشورهای آسیای مرکزی، قراردادهای تجاری، توافقات گمرکی و تنظیم و تدوین گواهی و مدارک بین‌المللی به زبان روسی انجام می‌شود. این روند به دلیل زیرساخت‌های اقتصادی و تجاری به‌جامانده از دوران شوروی و همچنین نقش روسیه در تنظیم سیاست‌های اقتصادی منطقه‌ای همچنان ادامه دارد (ونزک^۴، ۲۰۲۰: ۱۲). حتی در کشورهایی که سیاست‌های زبانی آن‌ها به سمت استفاده از زبان‌های ملی حرکت کرده است، مانند ازبکستان و آذربایجان، زبان روسی هنوز هم در مذاکرات تجاری و دیپلماسی اقتصادی نقش محوری دارد. بسیاری از اسناد تجاری و مالی ابتدا به زبان روسی تهیه می‌شوند و سپس به زبان‌های محلی یا انگلیسی ترجمه می‌شوند (سیگبک، ۲۰۲۳: ۵۵).

1. Eurasian Economic Union

2. Collective Security Treaty Organization

3. Veitsman & Hartmann

4. Wenzek

تأثیر سازمان‌های منطقه‌ای (اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای).

سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای^۱ نقش مهمی در تثبیت جایگاه زبان روسی در اقتصاد منطقه‌ای دارند. در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تمامی مکاتبات رسمی، قوانین تجاری و تصمیمات اقتصادی به زبان روسی تدوین و منتشر می‌شود (جاشی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۰). این موضوع باعث شده است که شرکت‌ها و دولت‌های عضو این اتحادیه، حتی اگر در داخل کشور سیاست‌هایی برای تضعیف نقش زبان روسی اتخاذ کرده باشند، در ارتباطات اقتصادی و تجاری خود ناگزیر از استفاده از این زبان باشند.

سازمان همکاری شانگهای که شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان است، نیز از زبان روسی به‌عنوان یکی از زبان‌های اصلی ارتباطات دیپلماتیک و تجاری استفاده می‌کند. در واقع، بسیاری از توافقات تجاری میان اعضای این سازمان، به دلیل عدم تسلط برخی کشورهای عضو بر زبان چینی یا انگلیسی، به زبان روسی تنظیم می‌شوند (علیپور گرجی، ۱۴۰۳: ۹۸). این امر موجب شده است که حتی کشورهایی مانند ازبکستان که در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند جایگاه زبان روسی را در فضای داخلی خود کاهش دهند، همچنان در عرصه تجارت و دیپلماسی اقتصادی به این زبان متکی باشند.

در سال‌های اخیر، با گسترش نقش سازمان‌های منطقه‌ای نظیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) و سازمان همکاری شانگهای (SCO)، زبان روسی نه تنها در عرصه سیاسی، بلکه در حوزه تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک نیز جایگاهی کلیدی و تثبیت‌شده یافته است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از قراردادهای تجاری میان فدراسیون روسیه و کشورهای آسیای مرکزی همچنان به زبان روسی تنظیم می‌شود و این وابستگی زبانی، حتی در کشورهایی که سیاست‌های ملی‌گرایانه و زبان‌محور را در دستور کار قرار داده‌اند، ادامه دارد. برای تحلیل تطبیقی نقش زبان روسی در ساختارهای اقتصادی و دیپلماتیک کشورهای منطقه، داده‌های مربوط به درصد استفاده از زبان روسی در قراردادهای تجاری، جایگاه آن در سازمان‌های منطقه‌ای و وضعیت تجارت دوجانبه با روسیه گردآوری شده‌اند. این اطلاعات بر پایه ترکیبی از منابع علمی، آماری و تحلیلی تنظیم شده‌اند: از جمله گزارش‌های بانک‌های مرکزی قزاقستان و قرقیزستان (۲۰۲۳)، داده‌های مرکز کارنگی مسکو^۲ درباره سیاست‌های زبانی ازبکستان (عمراف^۳، ۲۰۲۲: ۲۲)، گزارش‌های لورس ال ام^۴ (۲۰۲۵) درباره ارمنستان و همچنین

1. Shanghai Cooperation Organisation

2. Carnegie Moscow Center

3. Umarov

4. LoResLM

مطالعات بانک جهانی و مرکز سیاست اروپایی درباره تغییرات زبانی در گرجستان (۲۰۲۳).
جدول زیر این اطلاعات را به صورت مقایسه‌ای ارائه می‌دهد:

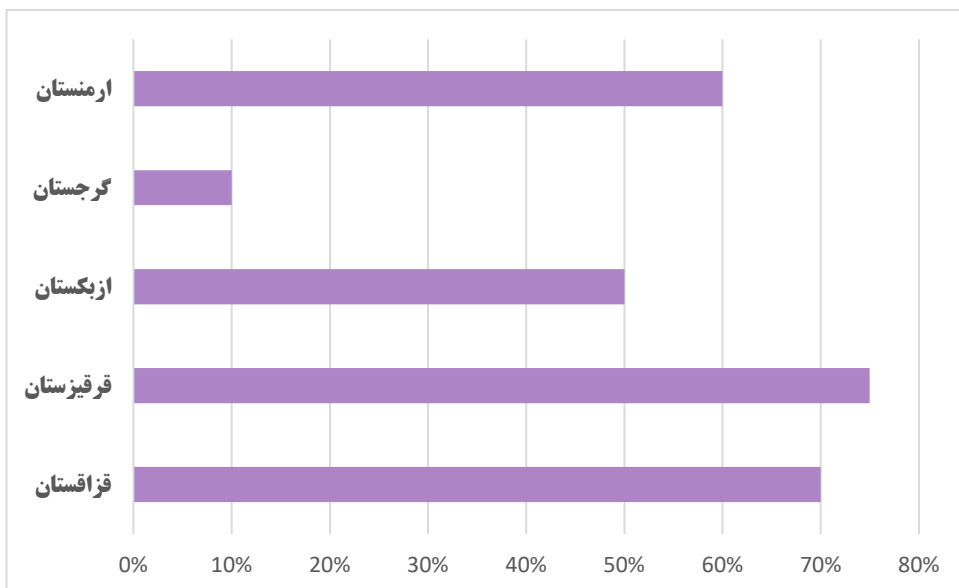
فهرست ۱. جایگاه زبان روسی در تجارت و تعاملات منطقه‌ای (۲۰۲۱-۲۰۲۳)

کشور	درصد قراردادهای تجاری به زبان روسی (تقریبی)	استفاده رسمی در سازمان‌های منطقه‌ای	وضعیت فعلی در تجارت دوجانبه با روسیه
قزاقستان	حدود ۷۰٪	بله - زبان روسی یکی از زبان‌های رسمی اوراسیا	شریک اول تجاری؛ وابستگی بالا به صادرات نفت، فلزات، گاز به روسیه
قرقیزستان	بیش از ۷۵٪	بله - حضور فعال در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا	وابستگی بسیار بالا به صادرات کشاورزی و کارگران مهاجر به روسیه
ازبکستان	حدود ۵۰٪	نه - عضو ناظر در اوراسیا؛ روسی فقط در برخی نهادها	تجارت دوجانبه در حال کاهش نسبی؛ افزایش تبادلات با چین و ترکیه
گرجستان	کمتر از ۵۰٪	نه - عضو هیچ‌یک از نهادهای منطقه‌ای با زبان روسی	پس از ۲۰۰۸ کاهش شدید روابط تجاری؛ تمرکز بر غرب و ترکیه
ارمنستان	بیش از ۶۰٪	بله - عضو کلیدی اتحادیه اوراسیا	تجارت بالای انرژی، تسلیحات و مواد غذایی با روسیه

منبع: تدوین پژوهشگران

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، زبان روسی نه تنها در کشورهای عضو نهادهای منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا جایگاهی رسمی دارد، بلکه در سطح اجرای قراردادها و تجارت نیز نقش محوری ایفا می‌کند. در مقابل، کشورهایی که از نظر ژئوپلیتیکی به غرب گرایش یافته‌اند، نظیر گرجستان، کاهش محسوسی در استفاده از زبان روسی در اسناد تجاری و تعاملات رسمی نشان می‌دهند. این تفاوت‌ها بازتابی از سیاست‌های زبانی و وابستگی‌های اقتصادی در سطح کلان هستند و نقش روسی را به مثابه «زبان قدرت منطقه‌ای» برجسته می‌سازند. برای درک بهتر تفاوت سیاست‌های آموزشی کشورها در قبال زبان روسی، نمودار زیر میزان تقریبی مدارس دارای آموزش روسی در چهار کشور منتخب آسیای مرکزی را نمایش می‌دهد.

نمودار ۱. درصد قراردادهای تجاری به زبان روسی در تعاملات منطقه‌ای (۲۰۲۱-۲۰۲۳)



منبع: تدوین پژوهشگران

نقش زبان روسی و تجارت دوجانبه با کشورهای منطقه. روسیه یکی از بزرگ‌ترین

سرمایه‌گذاران در بخش‌های انرژی، حمل‌ونقل و صنعت در آسیای مرکزی است و بسیاری از شرکت‌های روسی، از جمله گازپروم، لوک‌اویل و روس‌نفت، در این کشورها فعالیت می‌کنند (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۶). این شرکت‌ها به دلیل ماهیت روسی مدیریت و کارکنان خود، عمدتاً از زبان روسی در مکاتبات، قراردادهای و ارتباطات داخلی استفاده می‌کنند (ونزک، ۲۰۲۰: ۱۱۳). در بسیاری از پروژه‌های زیرساختی که توسط شرکت‌های روسی تأمین مالی و اجرا می‌شود، زبان روسی نه تنها زبان فنی بلکه زبان اداری و اجرایی نیز محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال:

- شرکت گازپروم در قرقیزستان و ازبکستان پروژه‌های انرژی متعددی دارد و تمامی تعاملات فنی و تجاری این شرکت با دولت‌های محلی به زبان روسی انجام می‌شود (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۶).
- شرکت لوک‌اویل در قزاقستان با سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری در صنعت نفت و گاز این کشور، تمامی فعالیت‌های خود را به زبان روسی مدیریت می‌کند (آکیوا، ۲۰۰۸: ۵۵).

- روسنفت که در پروژه‌های استخراج و پالایش نفت در ترکمنستان مشارکت دارد، تمام اسناد فنی و گزارش‌های اقتصادی خود را به زبان روسی تدوین می‌کند (سیگبک، ۲۰۲۳: ۱۳۲).

این وابستگی اقتصادی و سرمایه‌گذاری روسیه در منطقه، باعث شده است که حتی کشورهایی که سیاست‌های زبانی خود را تغییر داده‌اند، نتوانند به‌طور کامل از زبان روسی در تجارت و اقتصاد خود جدا شوند. روسیه همچنان به‌عنوان یک بازیگر اصلی در بخش‌های استراتژیک اقتصادی آسیای مرکزی باقی مانده است و حضور گسترده شرکت‌های روسی، موقعیت زبان روسی را در تجارت منطقه‌ای تقویت کرده است.

زبان روسی همچنان نقش کلیدی در تجارت، اقتصاد و دیپلماسی منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز دارد. ارتباطات تجاری میان کشورهای این منطقه و روسیه، استفاده از زبان روسی را به‌عنوان زبان رسمی قراردادهای تجاری و مکاتبات اقتصادی الزامی کرده است. علاوه بر این، سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای، نقش زبان روسی را در مکاتبات اقتصادی و دیپلماتیک تقویت کرده‌اند.

با توجه به نفوذ اقتصادی شرکت‌های روسی در این کشورها و سرمایه‌گذاری گسترده روسیه در بخش‌های کلیدی مانند انرژی، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های صنعتی، انتظار می‌رود که زبان روسی در آینده نزدیک همچنان جایگاه خود را در تجارت منطقه‌ای حفظ کند. با این حال، رشد رقابت زبان‌هایی مانند انگلیسی و چینی، ممکن است در بلندمدت تأثیراتی بر کاهش وابستگی به زبان روسی در برخی بخش‌های تجاری داشته باشد؛ اما در حال حاضر، روسی همچنان زبان اصلی در حوزه تجارت و اقتصاد منطقه‌ای محسوب می‌شود.

۳. چالش‌ها و تحولات جدید

رقابت زبان‌های دیگر (انگلیسی، ترکی، چینی). در سال‌های اخیر، نفوذ فرهنگی و اقتصادی ترکیه و چین در آسیای مرکزی و قفقاز افزایش یافته است و این مسئله منجر به شکل‌گیری رقابتی جدی با زبان روسی به‌عنوان زبان مسلط منطقه شده است. ترکیه از طریق سیاست‌های پان‌ترکیسم و همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی، زبان ترکی را به‌ویژه در کشورهایمانند قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان ترویج داده است. این کشور از طریق برنامه‌هایی مانند

سازمان کشورهای ترک‌زبان تلاش می‌کند نقش زبان ترکی را در آموزش و تجارت منطقه تقویت کند (جهان و خان^۱، ۲۰۲۴: ۱۸).

از سوی دیگر، چین از طریق پروژه «یک کمربند، یک جاده^۲» و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها، صنایع و معادن آسیای مرکزی، تأثیر زیادی بر این منطقه داشته است. در نتیجه، بسیاری از شرکت‌ها و مراکز آموزشی در کشورهایی مانند قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان شروع به آموزش زبان چینی کرده‌اند (سیگبک، ۲۰۲۳: ۴۵). با افزایش تعاملات اقتصادی میان چین و کشورهای منطقه، زبان چینی به‌ویژه در حوزه تجارت و حمل‌ونقل در حال گسترش است (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۹۸). با وجود این تحرکات، واکنش دولت‌های آسیای مرکزی نسبت به نفوذ زبانی قدرت‌های رقیب یکدست نبوده است. قزاقستان سیاست دوزبانه را به‌صورت محتاطانه حفظ کرده است، در حالی که ازبکستان به‌طور متناوب میان پذیرش و محدودسازی زبان‌های ترکی و چینی در نوسان بوده است (گوبایدولینا و پایزوا، ۲۰۲۵: ۶۶). قرقیزستان نیز عمدتاً در مدار نفوذ زبانی روسیه باقی مانده و آثار زبان ترکی و چینی عمدتاً در رسانه‌های خصوصی یا نهادهای فرهنگی غیردولتی مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها بازتابی از غیاب یک سیاست زبانی هماهنگ در منطقه و نشان‌دهنده ملاحظات ژئوپلیتیکی، وابستگی‌های اقتصادی و هویت زبانی متکثر در سطح دولت‌هاست. تحلیل رفتار زبانی دولت‌های منطقه در مواجهه با فشارهای فزاینده‌ی زبان‌های رقیب همچون ترکی، چینی و انگلیسی، بر اساس مفهوم «بازار زبانی» و منطق رقابت نمادین در چارچوب نظری مقاله انجام شده است. این تحلیل، به پشتیبانی دسته‌بندی اسناد زبانی، رسانه‌ای و نهادی که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شد، امکان بررسی واکنش‌های سیاست‌زبان کشورهای منتخب را در برابر نفوذ زبانی قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای فراهم کرده است.

علاوه بر ترکی و چینی، زبان انگلیسی نیز به‌عنوان زبان تجارت جهانی در بسیاری از کشورهای منطقه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. کشورهایی مانند گرجستان و آذربایجان سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در آموزش زبان انگلیسی انجام داده‌اند تا وابستگی خود به زبان روسی را کاهش دهند. همچنین، دانشگاه‌های بین‌المللی و مدارس خصوصی در قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان، زبان انگلیسی را در برنامه‌های درسی خود گسترش داده‌اند (بکاریستان‌کیزی و همکاران، ۲۰۲۴: ۷۸). از نظر تجاری، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی که در آسیای مرکزی و قفقاز فعالیت دارند، انگلیسی را به‌عنوان زبان اصلی ارتباطات خود انتخاب

^۱. Jehan & Khan

^۲. Belt and Road Initiative

کرده‌اند. حتی در مذاکرات اقتصادی بین‌المللی، تمایل به استفاده از زبان انگلیسی افزایش یافته است که می‌تواند در بلندمدت جایگاه زبان روسی را در تجارت منطقه‌ای تحت تأثیر قرار دهد (دافتر و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۷).

علاوه بر حوزه آموزش، رسانه‌های جمعی نیز نقش بسزایی در تثبیت یا تضعیف جایگاه زبان روسی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز ایفا می‌کنند. در برخی کشورها، زبان روسی همچنان زبان غالب در رسانه‌های تصویری و دیجیتال است، حال آنکه در برخی دیگر، تلاش شده است تا رسانه‌های ملی با زبان بومی تقویت شوند. در راستای بررسی نقش زبان روسی در قدرت نرم منطقه‌ای، یکی از مؤلفه‌های کلیدی، میزان حضور این زبان در رسانه‌های عمومی و تلویزیون ملی کشورهای منتخب است. بررسی‌های معتبر بین‌المللی مؤید آن است که حضور رسانه‌ای و سیاست رسمی زبان روسی در برخی کشورها علیرغم روندهای ملی‌گرایی همچنان برجسته است. برای مثال، دانای^۱ (۲۰۲۲: ۵۹) در تحلیل خود از نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا^۲ در آسیای مرکزی، به تعارض میان رویکرد رسمی و واقعیت رسانه‌ای اشاره کرده است. همچنین گزارش اوسی-مدیا^۳ (۲۰۲۳)، کاهش حضور زبان روسی در مدارس و برنامه‌های آموزشی ارمنستان را نشان می‌دهد. علاوه بر این، تحلیل‌های فایننشال تایمز^۴ (۲۰۲۴) درباره خط‌نویسی و تحولات هویتی در کشورهای آسیای مرکزی دلالت بر تداوم تأثیر زبان روسی در تغییرات اجتماعی دارد.

1. Dunay

2. OSCE

3. OC-Media

4. Financial Times

فهرست ۲. حضور زبان روسی در رسانه‌ها و سیاست رسانه‌های منطقه‌ای

کشور	درصد برنامه‌های تلویزیونی به زبان روسی (تقریبی)	رسانه‌های روسی فعال (تلویزیون، وبسایت، رادیو)	سیاست رسمی رسانه‌های درباره زبان روسی
قزاقستان	حدود ۴۰٪ از شبکه‌های ملی و محلی	شبکه‌های روسی‌زبان مستقل + همکاری با ORT، RTR	زبان روسی طبق قانون، زبان دوم رسمی رسانه‌ها محسوب می‌شود.
قرقیزستان	بیش از ۵۰٪ در شبکه‌های پربیننده	شبکه‌های ملی روسی‌زبان + کانال‌های روسی خارجی	حمایت رسمی: زبان روسی زبان رسمی دوم و رسانه‌ها موظف به انتشار دوزبانه‌اند.
ازبکستان	حدود ۲۰٪ در شبکه‌های شهری و رسمی	شبکه‌های مستقل روسی‌زبان کمتر: محدود به تاشکند	سیاست تضعیف تدریجی روسی در رسانه‌ها: تأکید بر تقویت زبان ملی.
گرجستان	کمتر از ۵٪: عمدتاً در مناطق روس‌زبان	رسانه‌های روسی تقریباً حذف شده‌اند	سیاست حذف تدریجی زبان روسی در حوزه عمومی و رسانه‌ای.
ارمنستان	حدود ۳۵-۳۰٪ در شبکه‌های اصلی	کانال‌های روسی فعال + وابستگی به شبکه‌های روسی	استفاده از روسی در رسانه رسمی مجاز است ولی زبان رسمی ارمنی است.

منبع: تدوین پژوهشگران

آن‌گونه که از داده‌های جدول برمی‌آید، سیاست‌های رسانه‌های کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نسبت به زبان روسی تفاوت چشمگیری دارد. در حالی که در کشورهایی مانند قرقیزستان و قزاقستان زبان روسی همچنان جایگاهی قانونی و اجرایی در رسانه‌ها دارد، در کشورهایی چون گرجستان، سیاست حذف تدریجی زبان روسی دنبال می‌شود. این تفاوت‌ها نه تنها بازتابی از جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی متفاوت هستند، بلکه نشان‌دهنده رقابت زبان‌ها در حوزه رسانه به‌عنوان بخشی از میدان قدرت نمادین نیز می‌باشند.

تأثیر سیاست‌های زبانی بر تجارت.

سیاست‌های کاهش وابستگی به زبان روسی در گرجستان و کشورهای حوزه بالتیک: پس از فروپاشی شوروی، کشورهایمانند گرجستان، لیتوانی، لتونی و استونی سیاست‌های شدیدی را برای کاهش وابستگی به زبان روسی اجرا کردند. در گرجستان، دولت این کشور پس از سال ۲۰۰۴ سیاست‌هایی را به اجرا گذاشت که زبان روسی را از نظام آموزشی و رسمی کشور حذف کند و زبان انگلیسی را جایگزین آن نماید (سیگبک، ۲۰۲۳: ۸۹).

در کشورهای بالتیک، زبان روسی از مکاتبات دولتی و آموزش رسمی حذف شد و به‌جای آن، زبان‌های محلی و انگلیسی به‌عنوان زبان‌های اصلی دیپلماسی و تجارت معرفی شدند (سعیدی،

۱۴۰۲: ۵۹). این سیاست‌ها تأثیراتی بر تجارت این کشورها با روسیه داشت، زیرا کاهش استفاده از زبان روسی منجر به افزایش موانع زبانی در تعاملات تجاری با شرکت‌های روسی شد (دافتسر و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۲).

یکی از مهم‌ترین ابعاد بررسی جایگاه زبان روسی، وضعیت آن در نظام آموزش عمومی کشورهای آسیای مرکزی است. این زبان نه تنها در بسیاری از مدارس دولتی آموزش داده می‌شود، بلکه در برخی کشورها همچنان زبان آموزش در مدارس دوزبانه یا ویژه محسوب می‌شود. اطلاعات جدول زیر براساس ترکیبی از گزارش‌های سازمان امنیت و همکاری اروپا (۲۰۲۲) و مرکز کارنگی برای صلح جهانی (۲۰۲۳) تهیه شده است.

فهرست ۳. وضعیت آموزش زبان روسی در مدارس چهار کشور منتخب آسیای مرکزی^۱

کشور	درصد مدارس با آموزش روسی (تقریبی)	وضعیت رسمی زبان روسی	سیاست اخیر زبانی (۲۰۲۲-۲۰۲۴)
قزاقستان	حدود ۳۰٪	زبان دوم رسمی طبق قانون اساسی	دولت سیاست دوزبانه را حفظ کرده، اما روند «قزاقی‌سازی تدریجی» در محتوای درسی و رسانه‌های آموزشی پیگیری می‌شود.
قرقیزستان	بیش از ۴۰٪	زبان دوم رسمی و دارای وضعیت قانونی برابر	سیاست حفظ آموزش روسی ادامه دارد: مدارس روسی‌زبان در بیش از ۶ شهر عمده فعال‌اند.
ترکمنستان	کمتر از ۱۰٪	فاقد جایگاه رسمی؛ فقط در مدارس خاص تدریس می‌شود	از اوایل دهه ۲۰۱۰ سیاست حذف تدریجی آموزش روسی دنبال شده است: زبان ترکمنی به‌صورت انحصاری در مدارس دولتی ترویج می‌شود.
ازبکستان	حدود ۲۰-۲۵٪	زبان غیررسمی، ولی مجاز در آموزش	پس از اصلاحات سال ۲۰۱۷، آموزش روسی در برخی مدارس بازگشایی شد، ولی دولت تأکید بر اولویت زبان ازبکی دارد.

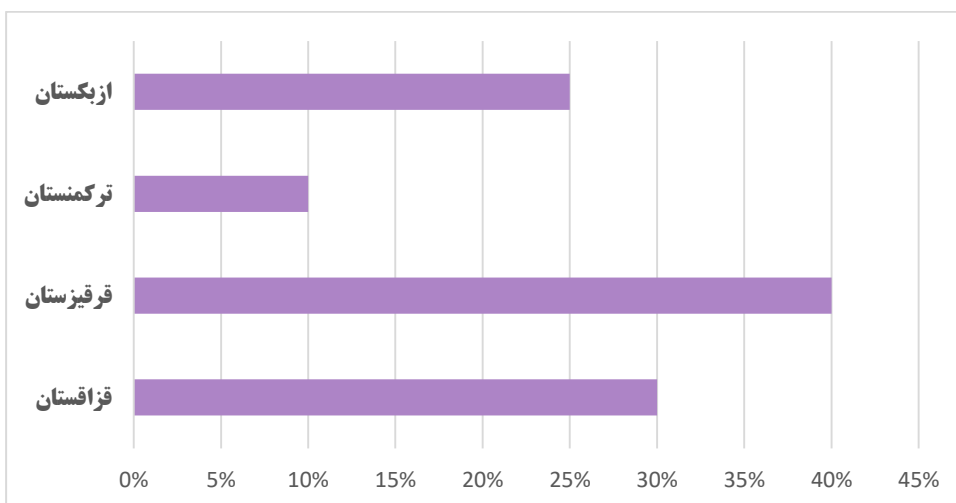
منبع: تدوین پژوهشگران

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، آموزش زبان روسی در کشورهای آسیای مرکزی روندی ناهمگون دارد. در حالی که در قرقیزستان و قزاقستان هنوز بخش بزرگی از نظام آموزشی به آموزش روسی اختصاص دارد، در کشورهایمانند ترکمنستان و ازبکستان سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه برای تقویت زبان ملی و تضعیف تدریجی زبان روسی دنبال می‌شود. این شکاف‌ها، بازتابی از تفاوت در

زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز: زبان، قدرت و نهادهای منطقه‌ای □ ۹۷

رویکردهای زبانی و هویتی دولتهاست و می‌تواند در بلندمدت بر تعاملات زبانی و قدرت نرم منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. برای نمایش بهتر اختلاف سیاست‌های آموزشی کشورها نسبت به زبان روسی، نمودار زیر میزان مدارس دارای آموزش روسی را به صورت مقایسه‌ای نمایش می‌دهد.

نمودار ۲. درصد آموزش زبان روسی در مدارس چهار کشور منتخب آسیای مرکزی



منبع: تدوین پژوهشگران

وضعیت زبان روسی در قزاقستان و قرقیزستان به‌عنوان زبان دوم. بر خلاف

گرجستان و کشورهای بالتیک، قزاقستان و قرقیزستان همچنان زبان روسی را به‌عنوان زبان دوم رسمی حفظ کرده‌اند. در قزاقستان، دولت در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که خط نوشتاری زبان قزاقی را از سیریلیک به لاتین تغییر خواهد داد، اما زبان روسی همچنان در امور دولتی، تجاری و آموزشی استفاده می‌شود (کازانتسو و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۸). این تصمیم نشانه‌ای از کاهش تدریجی وابستگی زبانی به روسیه است، اما در کوتاه‌مدت تأثیر محدودی بر جایگاه زبان روسی در تجارت و روابط دیپلماتیک داشته است.

در قرقیزستان نیز بخش عمده‌ای از قراردادهای تجاری و مکاتبات اداری همچنان به زبان روسی انجام می‌شود و مهاجرت نیروی کار قرقیزی به روسیه، اهمیت زبان روسی را در این کشور حفظ کرده است (سیگبک، ۲۰۲۳: ۴۶).

رقابت زبان‌های دیگر مانند ترکی، چینی و انگلیسی به‌طور مستقیم جایگاه زبان روسی را در تجارت، آموزش و دیپلماسی منطقه‌ای تحت تأثیر قرار داده است. در حالی که ترکیه و چین از طریق سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و همکاری‌های فرهنگی در تلاش برای گسترش زبان‌های خود هستند، زبان انگلیسی نیز به‌عنوان زبان تجارت جهانی در حال گسترش است. از سوی دیگر، سیاست‌های زبانی در برخی کشورها (مانند گرجستان و کشورهای بالتیک) منجر به کاهش وابستگی به زبان روسی شده است، اما در کشورهایی مانند قزاقستان و قرقیزستان، این زبان همچنان نقش کلیدی در تجارت و ارتباطات منطقه‌ای دارد.

با وجود این رقابت‌ها، نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه در منطقه باعث شده است که زبان روسی همچنان یک زبان مهم در دیپلماسی و تجارت منطقه‌ای باقی بماند. در آینده، هرچند ممکن است نقش زبان روسی در برخی بخش‌ها کاهش یابد، اما حضور اقتصادی روسیه و وابستگی برخی کشورها به سرمایه‌گذاری‌های روسی، استفاده از این زبان را در عرصه اقتصادی و تجاری تضمین کرده است (جهان و خان، ۲۰۲۴: ۲۲۳).

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی و داده‌های اقتصادی و زبانی در این پژوهش نشان می‌دهد که زبان روسی همچنان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. کشورهایی مانند قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان همچنان روسی را به‌عنوان زبان دوم رسمی حفظ کرده‌اند، در حالی که گرجستان و برخی جمهوری‌های بالتیک با اتخاذ سیاست‌های زبانی مستقل، تلاش کرده‌اند حضور زبان روسی را کاهش دهند. در حوزه تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای، سهم بالای قراردادهای اقتصادی تنظیم‌شده به زبان روسی و وابستگی حقوقی سازمان‌هایی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا به این زبان، جایگاه روسی را به‌عنوان زبان مشترک رسمی تقویت کرده است. همچنین، مهاجرت گسترده نیروی کار از آسیای مرکزی به روسیه و نقش این کشور به‌عنوان مقصد اول کارگران مهاجر، به تداوم کاربرد زبان روسی در تعاملات اقتصادی، رسانه‌ای و آموزشی انجامیده است. با این حال، چالش‌های تازه‌ای در افق دیده می‌شود. سیاست‌های زبان‌محور ملی در کشورهای آسیای مرکزی، افزایش نفوذ زبان‌های چینی، ترکی و انگلیسی و ظهور الگوهای جدید قدرت نرم در منطقه، همگی سهم روسی را در برخی فضاها با تهدید مواجه کرده‌اند. این تحولات به‌ویژه در حوزه آموزش و رسانه می‌توانند در بلندمدت منجر به جایجایی تدریجی جایگاه روسی در بازار زبانی منطقه شوند (← جدول رسانه و آموزش).

در پاسخ به این چالش‌ها، روسیه از طریق ابزارهای متنوعی چون ارائه بورسیه تحصیلی، سرمایه‌گذاری فرهنگی، ترویج رسانه‌های روسی‌زبان و ارتقاء نقش زبان روسی در سازمان‌های منطقه‌ای، در تلاش برای حفظ و حتی تقویت موقعیت خود است. استمرار این سیاست‌ها می‌تواند پیوندهای زبانی روسیه را تثبیت کند، به‌ویژه اگر با تقویت ساختارهای آموزش دوزبانه، توسعه تبادل دانشجویی و حمایت از مدارس روسی در کشورهای هدف همراه شود. در مجموع، آینده زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز به تعادل میان سه عامل بستگی دارد: تداوم حمایت ساختاری دولت روسیه، سیاست‌های زبانی داخلی دولت‌های منطقه و رقابت قدرت‌های زبانی دیگر مانند چین، ترکیه و غرب. هرچند کاهش تدریجی وابستگی به روسی در برخی حوزه‌ها محتمل است، اما به دلیل زیرساخت‌های گسترده، پیشینه تاریخی و ملاحظات ژئوپلیتیکی، زبان روسی همچنان یکی از مهم‌ترین زبان‌های همگرایی منطقه‌ای باقی خواهد ماند. با وجود بهره‌گیری از منابع گسترده و تحلیل‌های تطبیقی در این مطالعه، باید اذعان کرد که پژوهش حاضر از چند محدودیت روش‌شناختی رنج می‌برد. نخست آنکه، این تحقیق عمدتاً مبتنی بر تحلیل اسنادی و منابع ثانویه بوده و فاقد داده‌های میدانی است. در نتیجه، رفتارهای زبانی واقعی افراد، به‌ویژه نسل جوان آسیای مرکزی، در محیط‌های آموزشی، رسانه‌ای و اجتماعی به‌صورت مستقیم مورد سنجش قرار نگرفته است. همچنین، عدم دسترسی به برخی از داده‌های رسمی از کشورهای منطقه، باعث شد که بخش‌هایی از تحلیل‌های آماری متکی بر منابع غیرهم‌سطح یا پراکنده باشد که این امر می‌تواند بر دقت استنتاج‌های بلندمدت تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، در این پژوهش تحلیل عمیق شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات زبانی پلتفرم‌های دیجیتال بر هویت زبانی جوانان بررسی نشده، در حالی که این فضاها نقش مهمی در بازتعریف قدرت نرم زبانی ایفا می‌کنند.

در چشم‌انداز پژوهش‌های آتی، می‌توان مسیرهای توسعه این تحقیق را در چند محور مهم دنبال کرد. نخست، انجام پیمایش‌های میدانی و مصاحبه با دانشجویان، معلمان و کاربران شبکه‌های اجتماعی در کشورهای منطقه می‌تواند تصویری روشن‌تر از جایگاه زبان روسی در ذهنیت و سبک زندگی شهروندان ارائه دهد. دوم، تحلیل داده‌های تولیدشده در رسانه‌های دیجیتال روسی‌زبان، از جمله کانال‌های تلگرام، صفحات اینستاگرام و پلتفرم‌های آموزشی، می‌تواند مکملی برای ارزیابی قدرت نرم روسیه در حوزه زبان باشد. در نهایت، بررسی تطبیقی روند سیاست‌های زبانی کشورهای عضو نهادهای منطقه‌ای در بازه‌های زمانی بلندمدت، می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای مطالعه پایداری زبان روسی در مقابل زبان‌های رقیب فراهم کند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی برای تقویت تعادل زبانی و بهینه‌سازی

همکاری‌های منطقه‌ای ارائه داد. دولت‌های آسیای مرکزی، به‌ویژه وزارت‌های آموزش، می‌توانند از مدل‌های آموزش دوزبانه بهره بگیرند تا ضمن حفظ جایگاه زبان‌های ملی، امکان ادامه تحصیل، مهاجرت و تعامل بین‌المللی از طریق زبان روسی نیز برای شهروندان فراهم شود. این الگو به‌ویژه در مناطق چندقومیتی و مناطق مرزی می‌تواند به ارتقای همزیستی زبانی و فرهنگی کمک کند.

در سطح سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، پیشنهاد می‌شود که دستورالعملی رسمی در خصوص تنوع زبانی تدوین گردد؛ به نحوی که علاوه بر روسی، امکان استفاده از زبان‌های دیگر منطقه‌ای نیز در اسناد، جلسات و مکاتبات رسمی فراهم شود. این امر نه تنها به گسترش مشارکت کشورهای غیرفارس‌زبان کمک می‌کند، بلکه تعادل زبانی را نیز در تعاملات بین‌المللی حفظ می‌نماید. نهادهای فرهنگی و دیپلماتیک روسیه، نظیر بنیاد «روسکی میر»، نیز می‌توانند نقش پررنگ‌تری در توسعه آموزش زبان روسی، تولید محتوای بومی‌شده و حمایت از پروژه‌های رسانه‌ای ایفا کنند تا قدرت نرم روسیه در حوزه زبانی تقویت گردد. در نهایت، ایجاد یک سامانه منطقه‌ای پیش زبانی با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی می‌تواند به رصد روندهای زبانی در حوزه آموزش، رسانه و تجارت کمک کند و بستری برای تصمیم‌سازی‌های آینده در زمینه سیاست زبان فراهم آورد. برای عملیاتی‌سازی پیشنهادهای ارائه‌شده و عبور از سطح کلیات، می‌توان مجموعه‌ای از اقدامات مشخص و اجرایی را در سطوح مختلف در نظر گرفت:

نخست، در سطح ملی، وزارت‌های آموزش کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند با بازنگری در برنامه‌های درسی، آموزش زبان روسی را با نیازهای جدید ارتباطات منطقه‌ای و اشتغال هماهنگ کنند. این بازنگری شامل توسعه محتوای بومی‌سازی‌شده، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی و آموزش معلمان دوزبانه خواهد بود. همچنین، انعقاد قراردادهای تبادل استاد و دانشجو با دانشگاه‌های روسی می‌تواند به چرخش زبانی و تقویت سرمایه اجتماعی روسی‌زبان کمک کند.

دوم، در سطح نهادی و بین‌المللی، پیشنهاد می‌شود که دستورالعمل‌هایی درباره تنوع زبانی در چارچوب سازمان‌هایی چون اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای تنظیم شود؛ به‌نحوی که در کنار روسی، امکان استفاده از زبان‌های مکمل منطقه‌ای نیز فراهم گردد.

سوم، در حوزه فرهنگی و رسانه‌ای، نهادهایی چون بنیاد «روسکی میر» می‌توانند با تأسیس پلتفرم‌های آموزش زبان روسی، حمایت از تولید محتوای چندزبانه و تقویت رسانه‌های محلی روسی‌زبان، جایگاه زبان روسی در ذهنیت نسل دیجیتال را تثبیت کنند. به‌ویژه در مناطقی که

رقابت فشرده‌ای با زبان‌های چینی، ترکی یا انگلیسی وجود دارد، حمایت از رسانه‌های بومی روسی‌زبان نقش مهمی در حفظ توازن زبانی خواهد داشت.

در نهایت، ایجاد یک سامانه منطقه‌ای پایش زبانی، با همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، می‌تواند داده‌های به‌روزی درباره روندهای زبانی در حوزه آموزش، رسانه و تجارت فراهم سازد و مبنایی برای تصمیم‌سازی آینده در حوزه سیاست زبان قرار گیرد.

منابع

فارسی

اوغان، سینان و جلیل یعقوب زاده فرد (۱۳۸۴). روسی به عنوان ابزار سیاست: نمونه جمهوری‌های ترک. در امید اوزداگ و دیگران (ویرایش)، *جغرافیای سیاسی دنیای ترک: هدیه ای به مظفر اوزداگ* (جلد ۳، ۲۱۹-۲۳۴). آنکارا: [ناشر].

سعیدی، گلناز (۱۴۰۲). *نقش فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روسیه در آسیای مرکزی*. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. <https://peace-ipsc.org/fa>
عسگریان، ع. ع، تاجیک و ر. نوروزی (۱۳۹۶). «بررسی دیپلماسی عمومی فدراسیون روسیه در آسیای مرکزی (۲۰۰۰-۲۰۱۶)». *راهبرد سیاسی*، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۳۲.

علیپور گرچی، محمود و عبدالمجید سیفی (۱۴۰۳). جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری‌های قفقاز جنوبی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۶(۲)، ۱۹۵-۲۱۶. doi: 10.22034/fasiw.2024.426064.1299

فاطمی نژاد، سید احمد و محمدرضا هاشمی (۱۳۹۵). روسیه و آسیای مرکزی: زمینه‌سازی برای جامعه بین‌الملل منطقه‌ای. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۹(۲)، ۳۲۵-۳۴۰. doi: 10.22059/jcep.2016.60545

شفیعی، فرزانه (۱۳۸۹). نقش زبان روسی در همگرایی فضای پسا شوروی، *نشریه ایراس*، ۵(۶)، ۱۸۳. magiran.com/p900359

نباتی، ش؛ و م. شفقی (۱۴۰۰). «سیاست‌های زبانی دولت‌ها و مدیریت زبان‌های محلی: رویکرد موردی فدراسیون روسیه به زبان آسی». *سیاست جهانی*، ۱۰(۳)، ۱۵۵-۱۸۴..

لاتین

Abdurakhmonova, N. Z. Ismailov, A. S., & Mengliev, D. (2022). Developing NLP tool for linguistic analysis of Turkic languages. In **2022 IEEE International Multi-Conference on Engineering, Computer and Information Sciences (SIBIRCON)** (pp. 1790-1793). IEEE.

Akkieva, S. I. (2008). Platki-traditsionnyy Atribut Zhenskoy Odezhdy Balkarok Ikabardinok. *History, Archeology and Ethnography of the Caucasus*, 4(4), 151-156.

Bekarystankyzy, A., Mamyrbayev, O., & Anarbekova, T. (2024). Integrated End-to-End Automatic Speech Recognition for Languages for Agglutinative

- Languages. **ACM Transactions on Asian and Low-Resource Language Information Processing**.
- Bourdieu, P. (1991). **Language and Symbolic Power**. Harvard university press.
- Dufter, P., & Schütze, H. (2020). **Identifying Elements Essential for BERT's Multilinguality**. In **Proceedings of the 2020 Conference on Empirical Methods in Natural Language Processing (EMNLP)** (pp. 4423-4437).
- Fierman, W. (2021). Language policy and language in Central Asia. In **Routledge handbook of contemporary Central Asia** (pp. 391-408). Routledge.
- Gubaidullina, M. S., & Paizova, A. (2025). Russia's "Soft Power" Policy Towards Kazakhstan in the Research Field on Central Asia. *Bulletin of the LN Gumilyov Eurasian National University. Political Science. Regional Studies. Oriental Studies. Turkology Series.*, 150(1), 145-159.
- Jehan, M. N., & Khan, S. A. (2024). The Russian Language and Workers from Central Asia Migrating to Russia. **Journal of European Studies (JES)**, 40(2), 29-29.
- Joshi, P., Santy, S., Budhiraja, A., Bali, K., & Choudhury, M. (2020). The State and Fate of linguistic Diversity and Inclusion in the NLP World. In **Proceedings of the 58th Annual Meeting of the Association for Computational Linguistics** (pp. 6282–6293). Association for Computational Linguistics.
- Kazantsev, A. A., Rutland, P., Medvedeva, S. M., & Safranchuk, I. A. (2020). Russia's Policy in the "Frozen Conflicts" of the Post-Soviet Space: from Ethno-politics to Geopolitics. **Caucasus Survey**, 8(2), 142-162.
- Mukushev, M., Kydyrbekova, A., Kimmelman, V., & Sandygulova, A. (2022). Towards Large Vocabulary Kazakh-Russian Sign Language Dataset: KRSL-OnlineSchool. In **Proceedings of the LREC2022 10th Workshop on the Representation and Processing of Sign Languages: Multilingual Sign Language Resources** (pp. 154-158).
- Phillipson, R. (1992). **Linguistic Imperialism**. Oxford university press.
- Seiden, J. (2022). To "Retain" or "Reject" Russian? A Comparative Study of Bilingual Education in Sovoet Central Asia. **International Journal of Russian Studies**, 11(1).
- Sigebach, F. (2023). **From Enshrined Language of the State, to Secondary Language of Tourism, Trade and Education: The Development of Policies Regarding the Russian Language in the South Caucasus Region, During and After the Soviet Union**.
- Silvan, K. (2021). **Russian Policy Towards Central Asia 30 Years After the Collapse of the Soviet Union: Sphere of Influence Shrinking?**. Finnish Institute of International Affairs.
- Spolsky, B. (2009). **Language Management**. Cambridge University Press.
- Umarov, T. (2022). Russia and Central Asia: Never Closer, or Drifting Apart?. **Carnegie Politika**, 23.
- Umarov, T. **Russia and Central Asia: Never Closer, or Drifting Apart?** Carnegie Russia Eurasia Center (Politika Commentary), 2022.
- Veitsman, Y. (2024). **Recent Advancements and Challenges of Turkic Central Asian Language Processing**. arXiv preprint arXiv:2407.05006.
- Veitsman, Y., & Hartmann, M. (2024). *Recent Advancements and Challenges of Turkic Central Asian Language Processing*. In **Proceedings of the First Workshop on Language Models for Low-Resource Languages** (pp. 309–324). Association for Computational Linguistics. Retrieved from <https://arxiv.org/abs/2407.05006>
- Washington, J. (2015). **3rd International Conference on Computer Processing in Turkic Languages (TURKLANG 2015)** Towards a free/open-source universal-dependency treebank for Kazakh.

Wenzek, G., Lachaux, M. A., Conneau, A., Chaudhary, V., Guzmán, F., Joulin, A., & Grave, E. (2019). **CCNet: Extracting High Quality Monolingual Datasets from Web Crawl Data**. **arXiv preprint arXiv:1911.00359**.

https://www.osce.org/hcnm/523380?utm_source=chatgpt.com

https://carnegieendowment.org/regions/central-asia?utm_source=chatgpt.com&lang=en

https://www.ft.com/content/8d193fd0-ba01-4dca-b3ab-35f4e022172?utm_source=chatgpt.com

https://oc-media.org/russian-report-on-year-old-decision-to-cut-russian-classes-in-armenian-schools-causes-debate/?utm_source=chatgpt.com

https://www.shrmonitor.org/assets/uploads/2022/03/18750230-Security-and-Human-Rights-The-osce-in-Central-Asia_-Engagement-Presence-blems.pdf?utm_source=chatgpt.com